

تحلیل انتقادی شبهات تبار ابراهیم علیه السلام

دکتر علی راد^۱

چکیده

نتایج تبارشناسی پیامبران در نفی شبهات کلامی بر ضد شخصیت و تبار آنان اثرگذار است و به تصحیح نگره‌ها در رسالت‌شناسی آنان می‌انجامد. ابراهیم علیه السلام در ادیان توحیدی، جایگاه برجسته‌ای دارد، هرگونه ایراد و تردید درباره تبار و شخصیت ایشان موجب شبهه‌افکنی درباره نبوت یا هویت تاریخی ابراهیم علیه السلام خواهد بود. در میراث اسلامی سه شبهه «شخصیتی ایرانی در تبار ابراهیم علیه السلام»، «خطاب پدر به آزر بت پرست به وسیله ابراهیم علیه السلام» و «رابطه زناشویی مادر ابراهیم علیه السلام با آزر» بازتابیده است که دو شبهه اخیر با برخی از مبانی کلامی امامیه، چون طهارت نسبی و معنوی آبای پیامبران در تعارض آشکار است؛ شبهه نخست، هویت تاریخی ابراهیم با زرتشت و تبار ایرانی پیونده زده و این، در تعارض آشکار با رهیافت آیات و روایات به تبار ابراهیم است. در این پژوهش، شبهه‌های یادشده با روش تحلیلی-انتقادی ارزیابی شده است. نتایج پژوهش نشان داد که این‌ها از اساس، سست و باطل است. ادعای ایرانی بودن شخصیت آرفکشاد در نسب ابراهیم علیه السلام و تشابه یا وحدت آن با زرتشت با چالش‌های جدی و مهم تاریخی، زبان‌شناسی روبه‌رو است و ادعای درستی نیست. آیات خطاب آزر به عنوان پدر به وسیله ابراهیم علیه السلام الزاماً به معنای پدر نسبی نیست و این آیات با حدیث نبوی در طهارت آبای پیامبران نیز قابل جمع است، زیرا ایشان فقط بر طهارت پدران خویش، از شرک و بت‌پرستی اشاره دارند و آزر از شمار آبای نسبی وی خارج است. روایت‌های تولد

ابراهیم علیه السلام از آزر به دلیل آسیب اضطراب متنی و تعارض با سایر روایت‌ها و مبنای کلامی طهارت آبی انبیا از شرک و بت پرستی، فاقد اعتبار لازم‌اند و رگه‌هایی از جعل یا دست‌کم تحریف در آن‌ها قابل اثبات است.

کلیدواژه‌ها: تبارشناسی انبیا، ابراهیم علیه السلام، آرفکشاد، آزر، نسب ابراهیم علیه السلام.

درآمد

از ضرورت‌های نبوت‌پژوهی در دانش کلام، داشتن الگویی کم و بیش جامع در تحلیل ابعاد متنوع شخصیت و آیین پیامبران است؛ تبارشناسی، رسالت‌شناسی، شریعت‌شناسی سه جزء مهم و اصلی این الگوی پژوهشی است. در هر یک از این سه جزء، به تبیین داده‌های نقلی و عقلی مرتبط با انبیا پرداخته، به شبهه‌ها پاسخ داده می‌شود. در این الگو، تبارشناسی پیامبران، اهمیت خاصی دارد، زیرا با اصالت و هویت تاریخی آنان در پیوند است و بر رسالت‌شناسی آنان تقدم و اولویت می‌یابد و نتایج آن در زدودن تردیدها و پاسخ به شبهه‌ها بر ضد شخصیت تاریخی آنان سودمند می‌باشد؛ نتایج تبارشناسی در رسالت‌شناسی پیامبران تأثیر مستقیم دارد و در نفی و اثبات برخی از انگاره‌ها و آموزه‌ها از آنان اثرگذار است. مسائل اصلی تبارشناسی پیامبران شامل نسب و نژاد، اسامی و القاب، فرزندان و نسل و شبهه‌ها ناظر به هر یک از این محورهاست. تبارشناسی چندان در کلام اسلامی مورد توجه نبوده، متکلمان بیشتر خود را متولی رسالت‌شناسی دانسته‌اند، لکن برخی از شبهه‌ها زاییده خطاهای تبارشناسی است و نویسنده ناگزیر از ورود به این عرصه است تا با اتخاذ مبنایی به شبهات پاسخ دهد.

از نگاه تورات، ماجرای ابراهیم علیه السلام از ولادت او هنگام هفتاد سالگی پدرش (تارح) در اورکلدانیان (پیدایش، ۱۱: ۲۶-۳۱) آغاز شده و با وفات وی در ۱۷۵ سالگی در حبرون (پیدایش، ۲۵: ۷-۹) خاتمه می‌یابد. اولین بخش مذکور از زندگی ابراهیم علیه السلام ازدواج او با ساره (پیدایش، ۱۱: ۳۰) و مهاجرت از سرزمین حران به همراهی لوط (پیدایش،

۴: ۵-۱۲) است. در تورات، بیشتر به ذکر زندگی شخصی ابراهیم علیه السلام پرداخته شده و شاخص ترین مطلب مورد اهتمام آن، وعده خداوند به ابراهیم علیه السلام و ذریه او بر وراثت سرزمین کنعانیان (پیدایش، ۱۳: ۱۴-۱۸) - از نهر مصر تا فرات (پیدایش، ۱۵: ۱۸ و ۱۹) - است. تحقق این وعده، در عهد جدید، به ایمان آورندگان بر مسیح (غلاطیان، ۳: ۲۹)^۱ یادآوری شده است (پولس رسول (برومیان)، ۴: ۱۳ و ۱۴). از مراحل حساس زندگی ابراهیم علیه السلام مانند شرایط ولادت او، نشان دادن ملکوت به وی، احتجاج با آزر و مشرکان، شکستن بت ها، انداخته شدن در آتش، رهایی از آتش نمود، عزیمت به مکه و بنای کعبه، در عهدین سخنی به میان نیامده و این، یکی از تفاوت های قرآن با تورات در گزارش بخش های مهم و حساس حیات ابراهیم علیه السلام می باشد و مورد نقد مفسران قرار گرفته و یکی از نشانه های نفوذ تحریف در تورات بیان شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۷ / ۶۲۲-۹۱۲).

سیر زندگی ابراهیم علیه السلام در قرآن، از مناظره با آزر آغاز می گردد، با مجادله با بت پرستان و پرستندگان اجرام آسمانی، شکستن بت ها و محاکمه او بدان سبب، احتجاج با فرمانروای بابل، افکنده شدن در آتش و نجات از آن، مهاجرت از زادبوم، اعطای مقام امامت، اسکان خانواده خویش در بیابان مکه، بنای کعبه، ذبح فرزند حلیم خود، ادامه یافته، با بشارت به ولادت اسحاق و مجادله با فرشتگان مأمور عذاب قوم لوط فرجام می یابد.

در روایت های اسلامی مدت عمر ابراهیم علیه السلام ۱۷۵ سال بیان شده (مجلسی، ۱۹۸۹: ۱۱/۱۲؛ دینوری، بی تا: ۳۳) که با تورات موافق است. گویا ابراهیم علیه السلام با مرگ طبیعی از دنیا رفته است و وجه خاصی برای رحلت ایشان در قرآن، روایات و تورات یافت نشد. قرآن از این پیامبر بزرگ بارها به تکریم یاد کرده؛ نام ایشان ۶۹ بار و در ۲۵ سوره ذکر شده و یک سوره نیز - چهاردهمین سوره - به نام ابراهیم علیه السلام اسم گذاری شده است. قرآن از ابراهیم علیه السلام

۱. کسانی که به مسیح ایمان آورند، از نسل ابراهیم به شمار می روند.

با صفت‌هایی چون مسلم، حلیم، منیب و آواه، سلیم القلب، رشید، صدیق، حنیف، موقن، محسن، مخلص، مهدی (آل عمران: ۶۷؛ هود: ۷۵؛ توبه: ۱۱۴؛ هود: ۷۵؛ صافات: ۸۴؛ انبیاء: ۵۱؛ مریم: ۴۱؛ آل عمران: ۶۷؛ انعام: ۷۵؛ صافات: ۱۱۰؛ ص: ۴۶؛ نحل: ۱۲۱) و... یاد کرده است که هریک به ابعادی از شخصیت معنوی و اخلاقی ایشان اشاره دارند.

نظر به جایگاه برجسته ابراهیم علیه السلام در ادیان توحیدی، هرگونه ایراد و تردید درباره تبار و شخصیت ایشان شاید موجب شبهه افکنی در اذهان گردد و تردیدهایی را در اعتبار برخی از مبانی کلامی امامیه یا هویت تاریخی ابراهیم علیه السلام به وجود آورد. برپایه پژوهش نگارنده، سه شبهه در تبارشناسی ابراهیم علیه السلام در میراث اسلامی بازتابیده است که عبارت‌اند از:

- در نسب ابراهیم علیه السلام «ابراهیم بن تارح... بن ارفکشداد بن سام بن نوح» شخصیتی ایرانی به نام ارفکشداد حضور دارد که اصالت سامی بودن نسب وی را دچار تردید کرده است (سجادی، ۱۳۶۸: ۲/۴۹۹؛ مهرآبادی، ۱۳۷۳: ۲۰ - ۲۳).
- ظاهرایه «قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ آزَرَ» (انعام: ۷۴) به ضمیمه مشرک بودن آزر، ادعای امامیه را در طهارت معنوی انساب پیامبران را نقض می‌کند.
- روایت «...وَوَقَعَ آزَرُ بِأَهْلِهِ، فَعَلَقَتْ بِإِبْرَاهِيمَ علیه السلام فَظَنَّ أَنَّهُ صَاحِبُهُ». (کلینی، ۱۳۶۵: ۳۶۶/۸؛ راوندی، ۱۳۷۶: ۱۰۳؛ مجلسی، ۱۹۸۹: ۲۴۸/۵۸) از رابطه زناشویی آزر با مادر ابراهیم علیه السلام سخن می‌گوید.

برای رفع این چالش‌ها، لازم است به پرسش‌های زیرپاسخ محققانه داده شود:

۱. جایگاه ارفکشداد در نسب صحیح ابراهیم علیه السلام چیست و راهکار رفع اختلاف از گزاره‌های انساب وی کدام است؟
۲. دیدگاه صحیح در تبیین آیات خطاب آزر به عنوان پدر به وسیله ابراهیم علیه السلام کدام است و ادله اعتبار آن چیست؟
۳. نقدهای وارده بر روایت‌های تولد ابراهیم علیه السلام از رابطه زناشویی آزر با مادر

ابراهیم علیه السلام کدام است؟

بی شک پاسخ به این پرسش‌ها در تصویر ذهنی ما از شخصیت ابراهیم علیه السلام و سپس در رسالت شناسی وی اثرگذار است. پژوهش حاضر می‌کوشد، برپایه منابع اسلامی و گاه استفاده از داده‌های کتاب مقدس، نگره‌های رایج میان دانشوران مسلمان در سه پرسش یادشده را بازپژوهی و ارزیابی نماید و پاسخی اقناعی برهریک از شبهه‌های مذکور ارائه کند. روش پژوهش تحلیلی - انتقادی است و در تقریر شبهه، ارائه مستندات و آرای مخالف، اصل بی‌طرفی رعایت شده؛ ساختار مقاله به ترتیب شبهات سه‌گانه سامان یافته است. به لحاظ پیشینه پژوهش، مقاله در پاسخ به دو پرسش اول و سوم کاملاً جدید است و فاقد پیشینه نشر یافته به زبان فارسی، عربی و انگلیسی می‌باشد. در پاسخ به پرسش دوم، هر چند در تفاسیر فریقین و نگاه‌های مستقل (رسولی محلاتی، ۱۴۱۳: ش ۱/۵ - ۱۵؛ ضیائی، ۱۳۸۴: ش ۱۲۴/۵۴ - ۱۳۰). مطالبی وجود دارد، لکن رهیافت تطبیقی مقاله حاضر در بهره‌وری از منابع تاریخی، کتاب مقدس و منابع اسلامی جدید است و وجه تمایز آن از پژوهش‌های پیشین به شمار می‌آید که در متن مقاله خواهد آمد.

۱. «ارفکشاد»، شخصیتی ایرانی در نسب ابراهیم علیه السلام!

برپایه منابع انساب‌نگاری، نسب ابراهیم علیه السلام با چندین واسطه به سام، فرزند بزرگ حضرت نوح می‌رسد؛ مهم‌ترین نسب وی «ابراهیم علیه السلام بن تارح بن ناحور بن سروج بن رعو بن فالج بن عابر بن شالح بن ارفکشاد بن سام بن نوح» است که مورد اتفاق تورات (پیدایش، ۱۱) و منابع اسلامی است (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۱/۴۵؛ ابن هشام، بی‌تا: ۱/۳ - ۴؛ بلاذری، ۱۹۵۹: ۱/۴). نسب ابراهیم علیه السلام (بنا بر روایت عهد عتیق) (پیدایش، ۵) به قبایل آرامی، که از جزیره العرب به کرانه‌های رود فرات در عراق کوچیده بودند، می‌رسد (سجادی، ۱۳۶۸: ۲/۴۹۸)؛ آرامی‌ها در حزان مستقر بودند، لکن برخی از آنان به سبب رونقی که در شهر اور به وجود آمده بود، به آنجا مهاجرت کردند و در پی هجوم قبایل

آموری و عیلامی به شهر اور، به موطن خود (حزّان) بازگشتند. پدر ابراهیم علیه السلام در رأس یکی از این خاندان‌ها قرار داشت (سجادی، ۱۳۶۸: ۴۹۸/۲). اسم مادر ابراهیم علیه السلام در برخی از منابع سیره‌نگاری اسلامی، آمیله آمده، ولی کلبی اعتقاد داشت، نام وی بونا بوده و نسب «بونا بنت کرینا بن کرثی من بنی آرفخشذ بن سام بن نوح» را برای وی یاد کرده است (ابن کثیر، ۱۹۸۸، ۱: ۱۶۱).

کاربرد اسم ارفکشاد در نسب ابراهیم علیه السلام که در منابع اسلامی به شکل ارفخشاد نیز آمده، این تردید را نزد برخی از محققان ایجاد کرده که این عنوان شبیه نام‌های سامی نیست و بیشتر به یک نام ایرانی شبیه است (سجادی، ۱۳۶۸: ۴۹۹/۲) که می‌تواند نشانه‌ای از تأثیر یا نفوذ تلاش‌های زرتشتیان ایران در مصادره میراث توراتی به ویژه شخصیت ابراهیم علیه السلام باشد، زیرا ادعا شده که زرتشت به زبان پهلوی و به روایتی سریانی، نام ابراهیم علیه السلام است (ابن کثیر، ۱۹۸۸: ۵۰۶/۲)؛ برخی نیز شباهت‌های ابراهیم علیه السلام و زرتشت چون تولد و رشد در غار و قداست آتش را دلیل بروحدت این دو شخصیت دانسته‌اند؛ و به‌گونه‌ای صحف ابراهیم علیه السلام را همان اوستای زرتشت خوانده‌اند (مهرآبادی، ۱۳۷۳: ۲۰-۲۳). این تردید در اصالت سامی ارفکشاد زمانی تشدید می‌شود که بپذیریم نوعی دستبرد در انساب تورات هنگام ترجمه آن از عبری به زبان‌های دیگر رخ داده (بلاغی، ۱۹۹۳: ۵۹۱/۳) و این اسم، بسیار شبیه به اسامی ایرانی چون خرمشاد، دلشاد و... است.

ارزیابی

- ادعای عدم اختلاف دیدگاه انساب‌نگاران مسلمان با دیدگاه اهل کتاب در نسب ابراهیم علیه السلام نزد محققان قطعی است و فقط اختلاف جزئی در چگونگی خواندن برخی از این اسامی را یادآور شده‌اند (ابن حجر، بی تا: ۲۷۵/۶؛ طریحی: ۱۳۶۲: ۲۰۴/۳)؛ در هیچ‌کدام از این دو دیدگاه ارفکشاد به زرتشت تطبیق داده نشده

است. محققان کتاب مقدس نیز معنا یا توضیح خاصی را برای آرفکشاد نیاورده و به جمله «یکی از پسران سام، تولد یافته دو سال قبل از طوفان» در وصف وی بسنده کرده اند (مجمع الکنائس الشریقه، ۱۹۸۱: ۵۱). اگر شخصیت وی شباهتی با زرتشت یا هر شخص دیگری داشت، به طور قطع مورد اشاره قرار می‌گرفت.

- «آرفکشاد» یک خوانش یا صورتی تغییر یافته از مشابه سامی آن «آرفخشذ» است که در ترجمه و تعریب دچار تغییرات جزئی در ساختار شده. این تغییرات، معلول فرایند تسهیل در قرائت و ساختار صرفی و اعلام در زبان عربی است؛ «آرفخشذ» دچار ثنالت در تلفظ و درشتی در وزن صرفی می‌باشد و این دو ویژگی، با قاعده تسهیل در تلفظ و گریز اعراب از اوزان ثقیل در تعارض بوده است. البته صورت اصلی و غیر تعریب و تغییر نیافته آن در عمده منابع انساب‌نگاری کهن، منابع تاریخی و روایی دوره اسلامی به شکل‌های «آرفخشاد» (کراجکی، ۱۳۶۹: ۲۴۵) و «آرفخشذ» (بیهقی، بی تا: ۶ / ۳۶۵؛ بغدادی، ۱۳۶۱: ۴۶۶؛ بلخی، ۱۸۹۹: ۳ / ۱۴۸؛ بلاذری، ۱۹۵۹: ۴ / ۱؛ قرشی مصری، ۱۴۱۶: ۵۹) نیز حفظ و ضبط شده است. بر پایه این تحلیل آرفکشاد همان آرفخشذ است و ناظر به شخصیت دیگری نیست و ایرانی دانستن این اسم با استناد به تفکیک این اسم به دو جزء و پسوند «شاد»، ناشی از خطای در ریخت‌شناسی و تبارشناسی این واژه می‌باشد.

- «آرفخشذ» در میان پسران سام از این فضیلت برخوردار است که نسل انبیای الاهی به وی می‌رسد (بغدادی، بی تا: ۲۰) و خداوند، پادشاهی و پیامبری را در نسل وی جمع کرد (قرشی مصری، ۱۴۱۶: ۵۹). دینوری نیز بعد از جم، «آرفخشذ» را اولین کسی دانسته است که بعد از مرگ نوح، سلطنت و پادشاهی را در ایران رواج داده است: «فلما مات نوح استخلف ابنه ساماً، فکان أول من وطد السلطان، وأقام منار الملک بعد سام جم ابن ویرنجهان بن ایران، وهو آرفخشذ بن سام بن نوح» (دینوری، ۱۹۶۰: ۱). شاید به دلیل شخصیت ممتاز سیاسی و دینی

آرفخشذ بوده است که زرتشتیان علاقه مند بودند وی را برپادشاهان دیرین ایران تطبیق بدهند، لکن آرفخشذ، قدمتی بسیار کهن تر از زرتشت دارد و اساساً حوزه جغرافیایی ظهور این دو نیز با یکدیگر متفاوت است؛ زیرا تولد و هدایتگری زرتشت را در منطقه خوارزم گفته‌اند، ولی این دیدگاه درباره نوح و فرزندان وی اثبات نشده است. همچنین اسامی پدر و مادر زرتشت، هیچ شباهت زبانی با اسامی پدر و مادر ابراهیم علیه السلام ندارد و دلیل آن تفاوت نوع زبان عصر ابراهیم علیه السلام با دوره زرتشتی است.

- شباهت در مکان تولد زرتشت با ابراهیم علیه السلام در صورت اثبات صحت هر دو الزاماً اثبات‌کننده وحدت این دو شخصیت تاریخی نیست. آتش در آیین ابراهیم علیه السلام قداست ندارد و سرد شدن آن بر ابراهیم علیه السلام فقط به اراده الهی بوده، در سنن ابراهیم علیه السلام نیز اثری از تکریم آتش یافت نشد.
- ادعای تأثیر یا نفوذ تلاش‌های زرتشتیان ایران در یهودیان و تراث آنان به شدت مورد مخالفت برخی از محققان است و نمی‌توان به آن، به عنوان شاهی استوار در این موضوع استشهد کرد (حاجتی و طاهری، ۱۳۹۳: ۹۶-۹۷).
- ادعای هم‌معنایی زبانی زرتشت با ابراهیم علیه السلام با دیدگاه زبان‌شناسان مخالف است، زیرا زرتشت را به معنای دارنده شترزرد، پیر، ... دانسته‌اند (اورشیدی، ۱۳۷۱: ۲۹)، ولی ابراهیم علیه السلام به معنای پدر امت به دلیل ریاست بر طایفه یهود، بنی‌اسماعیل و سایر طوایف اعراب (هاکس، ۱۳۸۳: ۴)، پدر مهربان (مصطفوی، ۱۴۱۷: ۲۱/۱) پدر متعالی یا کسی که از بت‌ها دوری جسته و به خدای خویش گرویده (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۱۲۱/۲) است. البته برخی معنای پدر مهربان برای ابراهیم را نادرست دانسته و برآن‌اند که ابراهیم کلمه‌ای سریانی است. بنابراین، تجزیه آن - به دو واژه عربی (اب رحیم) - و استخراج معنای یادشده از آن، درست نیست (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۱۲۱/۲).

۲. شبهه بت پرست بودن پدر ابراهیم علیه السلام

برابر ظاهر آیات « قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ أَرَزَرْتَنِي أَخَذْتُ صَنَامًا آلِهَةً إِنِّي أَرَاكَ وَقَوْمَكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ » (انعام: ۷۴) و « يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا... يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا » (مریم: ۴۱-۴۶) ابراهیم علیه السلام آزر را پدر خویش خطاب کرده و این در حالی ست که آزر بت پرست بوده است؛ این با مبنای کلامی طهارت آباء پیامبران که در برخی از روایت های نبوی چون «لَمْ يَزَلْ يَنْقُلُنِي اللَّهُ مِنْ أَصْلَابِ الطَّاهِرِينَ إِلَى أَرْحَامِ الْمُطَهَّرَاتِ حَتَّى أَخْرَجَنِي فِي عَالَمِكُمْ هَذَا لَمْ يَدْنِسْنِي بِدَنَسِ الْجَاهِلِيَّةِ» بدان تصریح شده است، تعارض دارد (مجلسی، ۱۹۸۹: ۱۵/۱۱۷). برخی از منتقدان امامیه نیز با استناد به ظاهر همین آیات، باور شیعه به طهارت آباء پیامبران را برخلاف قرآن دانسته اند: «والآية حجة على الشيعة في زعمهم أنه لم يكن أحد من آباء الأنبياء كافراً، وأن آزر عم إبراهيم لا أبوه، وذلك لأن الأصل في الإطلاق الحقيقة ومثله لا يجزم به من غير نقل» (قاسمی، ۱۴۱۸: ۳۳۶۸/۶).

ارزیابی

- در هیچ یک از منابع توراتی، تاریخی و روایی آزر به عنوان پدر ابراهیم علیه السلام تارح یاد نشده است. از این رو، اصل بر این است که اسم اصلی پدر ایشان تارح بوده است و نه آزر. «تارح» یا «تارح» نام پدر ابراهیم علیه السلام در تورات است (پیدایش، ۱۱: ۲۷). ابن کثیر اشتها را این دیدگاه نزد جمهور از انساب نگاران و اهل کتاب را چنین تقریر کرده است: «وجمهور أهل النسب، منهم ابن عباس، على أن اسم أبيه تارح وأهل الكتاب يقولون تارح بالخاء المعجمة» (ابن کثیر، ۱۳۸۸: ۱/۱۷۳). همچنین در این منابع، آزر به عنوان لقب یا کنیه تارح نیز یاد نشده است؛ از این رو، احتمال اینکه هر دو، اشاره به یک فرد داشته باشد و این اختلاف عناوین، از باب تفاوت

اسم و لقب یا کنیه باشد، منتفی است (ابن کثیر، ۱۹۸۸: ۱/۱۶۳)؛ در نتیجه، اسناد حقیقی عنوان پدر نسبی به آزر، فاقد دلیل نقلی بوده و در مخالفت با دیدگاه مشهور انساب نگاران است.

- با وجود قرینه بیرونی، ظاهر آیات «قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ آزَرَ» (انعام: ۷۴) و «يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ...» (مریم / ۴۱ - ۴۶) در اطلاق پدر به آزر حجیت ندارد. بنابراین، تعبیر «أب» و «أبت» را نباید به معنای پدر حقیقی و نسبی ابراهیم ﷺ معنا کرد. بدون شک قرینه اطلاق عنوان آب به آزر در دوره نزول قرآن برای مخاطبان آن اعم از مسلمانان و یهودیان روشن بوده و قرآن به همین حافظه تاریخی و آگاهی مخاطب در این اطلاق بسنده کرده است. از سوی دیگر، در صورتی که اطلاق پدر به آزر حقیقی و به معنای پدر نسبی بود، نقض آشکار روایت رسول خدا در طهارت آبای ایشان از شرک و بت پرستی بود و مشرکان می توانستند به این آیات برضد رسول خدا اقامه دلیل نمایند یا آن را بهانه ای برای اذیت وی قرار دهند. در نتیجه، اجماع انساب نگاران و روایت نبوی، قرینه های استواری هستند بر اینکه اطلاق پدر در آیات یاد شده بر آزر حقیقی نیست. بنابراین، دیدگاه امثال قاسمی که شیعه را متهم به باوری خلاف قرآنی کرده است (قاسمی، ۱۴۱۸: ۶/۳۳۶۸)، برضد خود وی کارساز است، زیرا شیعه در این مسئله، ادله نقلی کافی برای اعراض از معنای ظاهری آیه دارد و اساساً فهم وی و امثال ایشان است که خلاف رعایت قواعد تفسیری

۱. ابن کثیر این احتمال را به ابن جریر نسبت داده است: «وقال ابن جریر والصاب أن اسمه آزر ولعل له اسمان علمان أو أحدهما لقب والأخر علم. وهذا الذي قاله محتمل والله أعلم» (ابن کثیر، ۱۹۸۸: ۱/۱۶۳). از جمله آخر ابن کثیر در پایان قول ابن جریر چنین می نماید که چندان بدان اعتقاد نداشته و در حد یک احتمال، آن را مطرح کرده است.

می باشد.

- اطلاق آب یا پدر در کتاب مقدس و ادبیات قرآن برای افرادی غیر از پدر نسبی شخص چون متولیان امور هدایتی و معیشتی، امری رایج است. در ابواب متعددی از کتاب مقدس، واژه «پدر» برای افرادی غیر از پدر نسبی افراد به کار رفته؛ برای نمونه در تعبیر «یوسف» چنین آمده است: «الله جعلنی أباً لفرعون» (پیدایش، ۴۵، ۸) یا سخن میخا به نوجوان لاوی چنین است: «کن لی أباً» (قض: ۱۷، ۱۰). در این نمونه‌ها کلمه به معنای شخص متولی امور فرد دیگری به کار رفته است، هر چند که این فرد، برده باشد (بلاغی، ۱۹۸۵: ۲/۱۴۸-۱۵۰). در قرآن نیز به معنای غیر پدر نسبی به کار رفته است؛ در آیه «أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» از اسماعیل به عنوان پدر یعقوب یاد کرده، در حالی که عموی ایشان بوده است؛ در این موارد مقصود پدر نسبی نیست و با لحاظ عناوین دیگری چون احترام عرفی یا نقش پدرانه در تربیت فرد به ایشان اطلاق می‌شود؛ آزر نیز چون نقش پدرانه یا حمایتی از ابراهیم علیه السلام در دوران خردسالی داشته است یا ابراهیم علیه السلام به دلیل رابطه مادری به وی احترام گذاشته و منزلت وی را به سان پدر خویش خطاب کرده، یا اینکه با اطلاق «یا ابا» به دنبال تلطیف رابطه عاطفی با وی بوده است تا بتواند فضای مناسبی را برای گفت‌وگو و ارشاد وی فراهم آورد.

مشهورترین رأی رایج نزد مفسران امامیه این است که آزر، عمویا جد مادری ابراهیم علیه السلام بوده (طوسی، بی تا: ۴/۱۷۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۷، ۱۶۲-۱۶۸؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۱۰/۹۶). علامه بلاغی تعبیر دقیق‌تری از توجه قرآن در اطلاق کلمه پدر به آزر دارد و آن اینکه قرآن از تصریح به اسم آزر بعد از عنوان پدر قصد دارد که بگوید، وی پدر حقیقی ابراهیم علیه السلام نبوده است: «وربما یشیر تصریح القرآن باسم

آزر إلا أنه احتراز عن الأب الحقيقي» (بلاغی، ۱۹۸۵: ۱۴۸/۲-۱۵۰).

این استدلال با توجه به کاربردهای فراوان کلمه «پدر» در کتاب مقدس به غیر پدر نسبی و سبک قرآن در عدم تصریح به اسامی پدران غیر پیامبر سازگاری بیشتری دارد، به ویژه اینکه باید توجه داشته باشیم، سبک بیانی قرآن در این موضوعها توجه به ادبیات محاوره‌ای رایج نزد عرب معاصر نزول و به طور خاص یهودیان بوده است. برای این گروه نیز ماهیت کاربرد کلمه «أب» برای آزر روشن بوده است. در نتیجه، دیدگاه شماری از مفسران اهل سنت که گفته‌اند آزر، اسم واقعی پدر ابراهیم علیه السلام بوده است و برای رفع تعارض آن با تارخ توجیهاتی ارائه کرده‌اند، بیشتر جنبه قیاسی و غیر نقلی دارد (طبری، ۱۴۱۲: ۱۵۸/۷؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۱۶۰/۴؛ ابن عاشور، بی تا: ۱۶۹/۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۳۹/۲؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳۲/۱۳؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۲۲/۷) و در تعارض جدی با روایت‌های نبوی در طهارت آبای پیامبران از شرک بوده، با رأی جمهور انساب نگاران نیز در تعارض است.

در آیات ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ. رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ. رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ﴾ (ابراهیم: ۳۹-۴۱) طلب غفران ابراهیم علیه السلام برای پدر و مادر نسبی خویش با تعبیر والدین صریح در این معناست که پدر نسبی وی کافر و بت پرست نبوده و به همین دلیل، مشمول دعای ابراهیم علیه السلام قرار گرفته است. بنابراین، از شمول آیه ﴿فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ﴾ (توبه: ۱۱۵) خارج است. مفسران امامیه با توجه به تفاوت معنایی أب با والد و کاربردهای متنوع اطلاق أب بر غیر از والد در قرآن بر این رأی تأکید دارند که آزر، پدر یا والد نسبی ابراهیم نبوده است. (طوسی، بی تا: ۳۰۲/۶؛ شریف مرتضی، ۱۴۳۱: ۱۰/۳؛ طباطبایی، ۱۴۱۷:

۳. شبهه رابطه آزر با مادر ابراهیم علیه السلام

برخی از متون روایی از نوعی رابطه میان مادر ابراهیم علیه السلام با آزر سخن رانده‌اند که تردیدهایی را در نسب ابراهیم علیه السلام به دنبال داشته است: «... وَوَقَعَ آزْرُ بِأَهْلِيهِ، فَعَلَقَتْ بِإِبْرَاهِيمَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَظَنَّ أَنَّهُ صَاحِبُهُ،... ثُمَّ إِنَّ أُمَّهُ قَالَتْ لِأَبِيهِ» (کلینی، ۱۳۶۵: ۳۶۶/۸؛ راوندی، ۱۳۷۶: ۱۰۳؛ مجلسی، ۱۹۸۹: ۲۴۸/۵۸). این متن به تولد ابراهیم علیه السلام از رابطه زناشویی آزر با مادر ابراهیم علیه السلام دلالت صریح دارد. از این رو، این دو شبهه را پدید می‌آورد: مادر ابراهیم علیه السلام، رابطه زناشویی با آزر داشته و آزر در حقیقت، پدر نسبی ابراهیم علیه السلام است.

ارزیابی

- در بخش پایانی این روایت، تعبیری وجود دارد که نشان می‌دهد آزر از ابراهیم علیه السلام به عنوان «پسر مادر ابراهیم علیه السلام» یاد می‌کند و گویی از انتساب آن به خود، احتراز دارد: «فَقَالَ آزْرُ لِأُمِّهِ: إِنِّي لَأَرْجُو أَنْ نُصِيبَ خَيْرًا بِبَرَكَتِ ابْنِكَ هَذَا» یا «فَقَالَ آزْرُ لِأُمِّهِ: هَذَا الَّذِي يَكُونُ ذَهَابٌ مُلْكِنَا عَلَى يَدَيْهِ.» (کلینی، ۱۳۶۵: ۳۶۶/۸؛ راوندی، ۱۳۷۶: ۱۰۳؛ مجلسی، ۱۹۸۹: ۲۴۸/۵۸). درست‌ترین بود که اگر ابراهیم علیه السلام فرزند صلبی خود آزر بود، وی را به خودش نسبت می‌داد، نه به مادر ابراهیم علیه السلام؛ همچنین طبیعی بود که آزر همسر خویش را به خاطر کتمان فرزند عتاب کند. آزر با توجه به جایگاهی که نزد پادشاه دوره خود داشت، مصلحت را در این می‌دید که گناه کتمان فرزندش را به گردن همسرش بیندازد، ولی جالب است که در ادامه داستان، خبری از بازجویی و عتاب آزر از سوی پادشاه نیست، و این در حالی است که رابطه آزر با ابراهیم علیه السلام بنا بر ادعای این روایت‌ها قابل کتمان نیست؛ زیرا بنا بر ادعای روایت‌های ابراهیم علیه السلام در خانه وی راه یافته بود و حضور وی چیزی نبود که بتوان آن را کتمان نمود؛ ویژگی‌های شخصیتی آزر چون

منصب وی نزد پادشاه و شغل بت تراشی و اعتقاد به الوهیت بتان اقتضا می‌کرد که ابراهیم علیه السلام را در اولین برخورد، تسلیم پادشاه نماید؛ زیرا خود وی مسبب تولد ابراهیم علیه السلام شده و حکم حکومتی مبنی بر عدم نزدیکی با زنان را نقض کرده بود. عبارت طبری از قول سدی به وضوح خطای آزر را در تمرد از دستور پادشاه نشان می‌دهد، زیرا برخلاف تعهد خویش، به پادشاه، از فرصت مراجعه به شهر سوءاستفاده کرد و با همسر خود، هم‌بستر شد و ابراهیم علیه السلام از این رابطه به دنیا آمد: «... فاخرج الرجال وترك النساء وأمر أن لا یولد مولود ذكر إلا ذبحه فذبح أولادهم ثم إنّه بدت له حاجة فی المدینة لم یأمن علیها إلا آزر أباً لإبراهیم فدعاه فأرسله وقال له انظر لا توقع أهلك فقال له آزر أنا أضن بدینی من ذلك فلما دخل القرية نظر إلى أهله فلم یملك نفسه أن وقع علیها ففربها إلى قرية بین الكوفة والبصرة یقال لها أور فجعلها فی سرب فكان یتعاهدها بالطعام والشراب وما یصلحها وإن الملك لما طال علیه الامر قال قول سحرة کذا بین ارجعوا إلى بلدکم فرجعوا وولد إبراهيم» (طبری، ۱۸۷۹: ۱/۱۶۵). از مقایسه قول سدی با متونی که تصریح به حیات تارح در هنگام بارداری همسروی به ابراهیم علیه السلام چنین به دست می‌آید (پیدایش، ۱۱: ۳۱؛ ابن‌کثیر، ۱۳۸۸: ۱/۱۶۸) که نوعی دستبرد در متن اصلی داستان به وسیله قصه سرایان در دوره تابعان صورت گرفته و تلاش جدی بوده است که با حذف تارح، نقش اصلی را به آزر در تولد ابراهیم علیه السلام بدهند تا نظریه طهارت نسب را تضعیف ورد نمایند.

- در روایت سدی از یک سو، برای غایب نشان دادن تارح - پدر نسبی ابراهیم علیه السلام - از ماجرای تولد ابراهیم علیه السلام و امور مرتبط با آن، تلاشی صورت گرفته، مشهود است و از سوی دیگر، روابط میان امیله - مادر ابراهیم علیه السلام - با آزر به گونه‌ای شبیه روابط یک زن و مرد تصویر می‌شود تا همه موانع لازم برای اثبات انگاره پدر بودن آزر برای ابراهیم علیه السلام از ذهن مخاطب زدوده گردد، و این خود، از نشانه‌های آشکار جعل در

این بخش از روایت است؛ زیرا تارح بنا بر تصریح تورات (پیدایش، ۱۱: ۳۱) و منابع تاریخ‌نگاری انبیا (ابن‌کثیر، ۱۳۸۸: ۱/۱۶۸) در زمان تولد ابراهیم علیه السلام زنده بود و با وی از حران به کنعان هجرت کرد؛ حال چگونه ممکن است که پدر ابراهیم علیه السلام امور همسر خود را به آزر بت پرست سپرده و چگونه می‌شود که در فرادید وی، آن بانو چنین اموری را مرتکب شده باشد؟ در برخی از منابع، برخلاف ادعای مذکور در روایت، تصریح شده است که تارح به دنبال ندایی دستور یافت تا با همسر خود نزدیکی کند تا ابراهیم علیه السلام از وی متولد گردد و تا آخرین مرحله رشد ابراهیم علیه السلام کاملاً در جریان روند کار ابراهیم علیه السلام بوده و البته برای حفظ جان ابراهیم علیه السلام در برابر نمروود توریه ورزیده، ولی فرزندی وی را انکار نکرده است (نویری، بی تا: ۱/ ۱۰۳-۱۰۴). بی‌گمان، این بخش از روایت‌ها هر چند که در منابع معتبر نیز نقل شده باشند، دچار تحریف یا تصحیف شده و راوی به غلط یا سهو نام پدر ابراهیم علیه السلام را در متن روایت داخل کرده است یا اینکه از روی تقیه و موافقت با عامه صادر گشته‌اند. روشن است که وجه اخیر مشروط به احراز تقیه است که از جمله آن اصل جواز تقیه در این امر و اشتها قول مخالف نزد عامه می‌باشد؛ همان طوری که برخی از محققان این رأی را به ابوحنیفه نسبت داده‌اند؛ مولی صالح مازندرانی در ردّ قول برخی از اخباریان ظاهرگرا و اکثر اهل سنت در ذیل عبارت «وقع آزر بأهله فعلقت بإبراهیم» درباره روایت مذکور چنین می‌نویسد: «هی تصریح بأن آزر کان عمّ إبراهیم علیه السلام وکان أبوه تارخ ویمکن حمل هذا الحدیث علی التقیة بأن یکون هذا مذهب أبی حنیفة انتهى. أقول تارخ غیر آزر کما صرح به بعض العامة وعلی هذا لا یرد أنّ تارخ هو آزر واکثرهم علی الاتحاد» (مازندرانی، ۱۴۲۱: ۱۲/۵۲۹). برخی نیز اطلاق پدر به آزر را موافق با مذهب عامه دانسته‌اند (مشهدی، ۱۳۶۸: ۴/۳۶۲).

- نکته مهم دیگر در جعلی بودن این بخش از روایت سدهی این است که اساساً

چنین ادعایی در هیچ یک از منابع کهن تاریخی، توراتی و روایی اهل سنت گزارش نشده و معلوم نیست از کجا در برخی از منابع روایی قرن چهارم به بعد این متن پدید آمده است. به هر روی، عدم نقل این متن در منابع کهن و اعراض انساب نگاران و تاریخ نویسان و حتی تورات از آن، خود، دلیل استواری است بر اینکه متن، اعتبار لازم را ندارد و آزر پدر نسی ابراهیم علیه السلام نبوده و نیست.

- متون تولد ابراهیم علیه السلام از آزر در تعارض آشکار با نکته‌هایی است که پیش‌تر در ارزیابی شبهه دوم اشاره شد و آمد که اساساً آزر پدر نسی ابراهیم نیست و نظریه اشتغال وی به بت‌تراشی و بت‌پرستی، با روایت نبوی در طهارت آبای انبیا از شرک در تعارض است.

نتیجه‌گیری

تبارشناسی پیامبران در مطالعات ادیانی، از اهمیت و اولویت برخوردار است، زیرا با اصالت و هویت تاریخی آنان در پیوند می‌باشد و بررسالت‌شناسی آنان تقدم و اولویت دارد و نتایج آن در زدودن تردیدها و پاسخ به شبهه‌های برضد شخصیت تاریخی آنان سودمند است؛ نتایج تبارشناسی در رسالت‌شناسی پیامبران تأثیر مستقیم دارد و در نفی و اثبات برخی از انگاره‌ها و آموزه‌ها از آنان اثرگذار است؛ گاهی نیز به تصحیح نگره‌ها در رسالت‌شناسی آنان یاری می‌رساند.

تبارشناسی ابراهیم علیه السلام بر پایه منابع اسلامی و توراتی نشان داد که سه شبهه ناظر به تبار، نسب و تولد وی از اساس سست و باطل است. ادعای ایرانی بودن شخصیت آرفکشاد در نسب ابراهیم علیه السلام و تشابه یا وحدت آن با زرتشت با چالش‌های جدی و مهم تاریخی و زبان‌شناسی روبه‌روست و درست نیست. آیات خطاب آزر به عنوان پدر به وسیله ابراهیم علیه السلام با حدیث نبوی در طهارت آبای پیامبران نیز قابل جمع است، زیرا ایشان فقط بر طهارت پدران خویش از شرک و بت‌پرستی اشاره دارند و آزر از شمار آبای

نسبی وی خارج می باشد. روایت های تولد ابراهیم علیه السلام از آزر به دلیل آسیب اضطراب متنی و تعارض با سایر روایت ها و مبنای کلامی طهارت آبای انبیا از شرک و بت پرستی، فاقد اعتبار لازم اند و رگه هایی از جعل یا دست کم تحریف در آن ها قابل اثبات است.

کتابنامه

۱. ابن حجر، شهاب الدین، (بی تا)، *فتح الباری*، دارالمعرفة، بیروت، الطبعة الثانية.
۲. ابن سعد، محمد، (۱۴۱۰ق)، *الطبقات الكبرى*، تحقیق: محمد عبد القادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول.
۳. ابن عاشور، محمد، (بی تا)، *التحریر والتنبؤ*، قم، نرم افزار جامع التفاسیر.
۴. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۳۸۸ق)، *قصص الأنبياء*، تحقیق: مصطفی عبدالواحد، مصر، دارالکتب الحدیثة.
۵. ابن کثیر، اسماعیل (۱۹۸۸م)، *البدایة والنهاية*، تحقیق: علی شیری، الأولى، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۶. ابن هشام، عبدالملک، (بی تا)، *السيرة النبوية*، تحقیق: مصطفی السقا، ابراهیم الأبیاری و عبدالحفیظ شلبی، بیروت، دارالمعرفة.
۷. اورشیدی، جهانگیر، (۱۳۷۱ش)، *دانشنامه مزدیسنا*، تهران: نشر مرکز.
۸. بغدادی، محمد بن حبیب، (بی تا)، *المنمق*، صححه وعلق علیه، خورشید احمد فاروق، عالم الکتب، بی جا.
۹. بغدادی، محمد، (۱۳۶۱ق). *المحبر*، اول، بی جا: مطبعة الدائرة.
۱۰. بلاذری، احمد، (۱۹۵۹م)، *أنساب الأشراف*، دارالمعارف بمصر.
۱۱. بلاغی، محمد جواد، (۱۹۸۵م)، *الهدی إلى دین المصطفی*، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بیروت.
۱۲. _____، (۱۹۹۳م)، *الرحلة المدرسية*، دوم، دار الزهراء للطباعة والنشر والتوزیع، بیروت.
۱۳. بلخی، احمد (۱۸۹۹م)، *البدء والتاریخ*، تحقیق: کلیمان هوار، چ اول، پاریس: برونند.
۱۴. بیهقی، احمد، (بی تا)، *السنن الكبرى*، بیروت، دارالفکر.
۱۵. *تورات*، کتاب مقدس، نرم افزار مژده، ۲۰۱۳م.
۱۶. ثعلبی نیشابوری، احمد (۱۴۲۲ق)، *الکشف والبیان عن تفسیر القرآن*، تحقیق: الإمام أبی محمد بن عاشور، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۱۷. حاجتی، سید محمد و محمد حسین طاهری، (۱۳۹۳ش)، «واکاوی تأثیرپذیری

- یهودیت از دین زرتشت»، معرفت ادیان، ش ۲۱.
۱۸. دینوری، ابن قتیبه، (بی تا)، المعارف، مصر: دار المعارف.
۱۹. _____، (۱۹۶۰م)، اخبار الطوال، تحقیق: عبدالمنعم عامر / مراجعة: الدكتور جمال الدین الشیال، الأولى، دار إحياء الكتب العربی.
۲۰. راوندی، قطب الدین، (۱۳۷۶ش)، قصص الأنبياء، تحقیق: الميرزا غلامرضا عرفانيان اليزدی الخراساني، قم: هادی.
۲۱. رسولی محلاتی، سیدهاشم، (۱۴۱۳)، «آباء النبي ﷺ»، مجموعه مقالات کنگره شیخ مفید، ش ۵۰.
۲۲. زمخشري، محمود، (۱۴۰۷ق)، الكشف عن حقائق غوامض التنزيل، بیروت، دار الكتاب العربی.
۲۳. سجادی، صادق، (۱۳۶۸ش)، «مدخل ابراهيم ﷺ»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، چاپ اول.
۲۴. شريف مرتضى، (۱۴۳۱)، نفائس التأویل، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بیروت، لبنان.
۲۵. صادقی تهرانی، محمد، (۱۳۶۵ش)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم، فرهنگ اسلامی.
۲۶. ضیائی، رحمت الله، (۱۳۸۴)، «ابراهيم ﷺ»، مجله کلام اسلامی، ش ۵۴.
۲۷. طباطبایی، محمد حسین، (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، اول، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۸. طبری، محمد، (۱۸۷۹م)، تاریخ الطبری، بیروت: الأعلمی للمطبوعات.
۲۹. _____، (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، چ اول، بیروت: دارالمعرفه.
۳۰. طریحی، فخرالدین، (۱۳۶۲ش)، مجمع البحرين، تهران: مرتضوی.
۳۱. طوسی، محمد بن حسن، (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، اول، لبنان: دار احیاء التراث العربی.
۳۲. فخررازی، محمد، (۱۴۲۰ق)، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۳. قاسمی، محمد، (۱۴۱۸ق)، محاسن التأویل، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۳۴. قرشی مصری، (۱۴۱۶)، فتوح المصرو اخبارها، تحقیق: محمد الحجیری، الأولى، بیروت - دار الفکر.
۳۵. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴ش). الجامع لأحكام القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۳۶. کراجکی، محمد، (۱۳۶۹)، کنز الفوائد، دوم، مکتبه المصطفوی - قم.
۳۷. کلینی، محمد، (۱۳۶۵ش)، الکافی، تحقیق: علی أكبر غفاری، اول، تهران: دارالکتب الإسلامیة.

۳۸. مجلسی، محمد باقر، (۱۹۸۹م)، *بحار الانوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۹. مجمع الکنائس الشریقیة، (۱۹۸۱م)، *قاموس الكتاب المقدس*، ششم، بیروت: مکتبۃ المشعل.
۴۰. مشهدی، محمد، (۱۳۶۸ش)، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تهران، انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
۴۱. مصطفوی، حسن، (۱۴۱۷ق)، *التحقیق فی کلمات القرآن*، طهران، وزارة الثقافة والإرشاد الإسلامی.
۴۲. مولی صالح مازندرانی، (۱۴۲۱ق)، *شرح اصول الکافی*، اول، دار احیاء التراث العربی، بیروت - لبنان.
۴۳. مهرآبادی، میترا، (۱۳۷۳)، «نقدی بر «چرا زردشت را ابراهیم علیه السلام دانسته اند!»، کیهان فرهنگی، ش ۱۱.
۴۴. نویری، احمد، (بی تا)، *نهاية الارب في فنون الأدب*، قاهره، مطابع گوستاتسوماس وشركاه.
۴۵. هاکس، جیمز، (۱۳۸۳ش)، *قاموس کتاب مقدس*، تهران، اساطیر، چاپ دوم.